افزایش ارزش یو آن؛ کاربرد سیاست در عرصه اقتصاد

تقویت 1/2 درصدی ارزش یوان،آن هم شش روز قبل از ضرب‏الاجل‏ سنای آمریکا،یک حرکت سیاسی به حساب می‏آید

افزایش ارزش یوآن؛ کاربرد سیاست در عرصه اقتصاد

چین،در آخرین روز تیرماه سال جاری،ارزش یوان را در برابر دلار افزایش داد.این اقدام تنها شش روز زودتر از ضرب‏الاجلی صورت گرفت که آمریکا تعیین کرده‏ بود.گرچه اقدام بانک مرکزی چین دور از انتظار نبود، اما زمان انجام و همچنین میزان تقویت پول ملی چین‏ غیرمنتظره بود.

پیشینه امر

کاهش یا افزایش ارزش پول ملی کشورها صرفنظر از آنکه معلول اقدام علنی دولتی،عرضه و تقاضا و یا سایر ملاحظات باشد،به‏طور معمول توجه افکار عمومی را چندان به خود جلب نمی‏کند و موضوعی خبرساز نیست.برای مثال،در هفت ماهه اول سال 2005 بهای‏ ارزهای ملی متجاوز از بیست و هشت کشور جهان،از جمله ین ژاپن و پوند انگبستان،نسبت به دلار کاهش و یا افزایش یافته است.

در این میان،افزایش 10 درصدی نرخ رئال برزیل و کاهش 15 درصدی راند آفریقای جنوبی در برابر دلار، نوساناتی شاخص هستند.اما افزایش ارزش یوآن نسبت‏ به دلار،آن هم به میزان 1/2 درصد،بازتاب وسیع‏ بین‏المللی داشته است و دلیل آن نیز جایگاه و عملکرد اقتصادی چین و موقعیت پول آن کشور است.

در سال 1996 چین ارزش یوآن را به دلار آمریکا وابسته‏ ( peg )کرد.در آن زمان هر دلار معادل 28/8 یوآن معامله‏ شد.

البته چین نخستین و آخرین کشور در منطقه‏ جنوب شرق آسیا نیست که به این اقدام دست‏ یازیده است،ولی دو ویژگی،اقتصاد چین را از دیگر اقتصادهای منطقه متمایز می‏کند:حجم عظیم صادرات‏ ارزان قیمت و روند رشد چشمگیر اقتصادی.

در ابتدا ایالات متحده آمریکا و سپس اتحادیه اروپایی‏ و به تازگی صندوق بین‏المللی پول اصرار داشتند که‏ چین با قطع ارتباط میان یوآن با دلار،امکان تقویت آن را فراهم کند تا از رهگذر آن مزیت غیرعادلانه به نفع‏ صادرکنندگان چین،برطرف شود.

در این میان،بیشترین انتقادات از سوی آمریکا صورت‏ می‏گرفت.آمریکا بارها چین را به پایین نگه داشتن‏ مصنوعی ارزش پول ملی متهم کرد و خواستار تقویت‏ نرخ یوآن به میزان 20 تا 40 درصد شد.

در ماه‏های اخیر سنای آمریکا قطعنامه‏ای را تصویب‏ کرد که به موجب آن چنانچه چین تا تاریخ 27 جولای‏ (5 مرداد)سال جاری به تقویت یوان نمی‏پرداخت، اعمال تعرفه تنبیهی 5/27 درصدی بر تمامی واردات از چین در دستورکار قرار می‏گرفت.

اقدام چین

دولت چین در مناسبت‏های مختلف از به کارگیری‏ سیاستی منعطف در خصوص وضعیت پول ملی خود خبر داده بود.از همین‏رو اقدام اخیر چین،در تقویت 1/2 درصدی ارزش یوان،آن هم شش روز قبل از ضرب‏الاجل‏ تعیین شده از سوی سنای آمریکا،در واقع یک حرکت‏ سیاسی به حساب آمد.

سیاست‏هایی که بانک خلق چین،یا بانک مرکزی آن‏ کشور،همزمان با تقویت یوآن(به میزان 1/2 درصد و افزایش ارزش آن از 28/8 به 11/8 یوآن به ازای هر دلار)، اجرای آن‏ها را وعده داد،از این قرار بودند: قطع ارتباط( peg )یوآن با دلار و وابستگی یوآن به‏ یک سبد ارزی-که البته ترکیب ارزهای تشکیل دهنده‏ آن هنوز اعلام نشده است؛با این تأکید که ارزش یوآن‏ همچنان براساس ارزش دلار سنجیده خواهد شد.

شناور شدن نرخ برابری یوآن و تعیین ارزش آن‏ براساس عرضه و تقاضا.دامنه نوسان ارزش روزانه یوآن‏ در برابر دلار نسبت به روز قبل حداکثر به اضافه یا منهای‏ 3 صدم درصد تعیین شد.

دامنه نوشان بهای یوآن نسبت به سایر ارزها حداکثر به اضافه یا ممنهای 5/1 درصد معین گردید.

تصمیم‏های چین انتظارات کارشناسان پولی و مالی‏ را برآورده نکرد.در حالی‏که مقامات آمریکایی از لزوم‏ تقویت 40 درصدی ارزش یوآن سخن می‏گفتند و سنای‏ ایالات متحده نیز تقویت دست کم 5/27 درصدی یوآن‏ را انتظار داشت،برخی کارشناسان از افزایش 20 درصدی‏ نرخ برابری یوآن در صورت معامله آزاد آن سخن‏ می‏گفتند.در مجموع بیشتر صاحب‏نظران بر این‏ باور بودند که ارزش یوآن دست کم باید پنج درصد تقویت شود.در متن انگلیسی اطلاعیه بانک مرکزی چین‏ در این‏باره از کلمه‏" initial "استفاده شده بود.از همین‏رو صاحب‏نظران در ابتدا امیدوار شدند که قرار است میزان‏ تقویت ارزی یوآن،گام به گام،افزایش یابد.اما پس از توضیح مقامات بانک معلوم شد که رقم اعلام شده‏ (1/2 درصد)افزایش نخواهد یافت.

بر این اساس بسیاری معتقدند تصمیم چین،کمتر اقتصادی و بیشتر سیاسی و به تعبیر دیگر اقدامی زیرکانه‏ و تاکتیکی فوق‏العاده بوده است.زیرا چین با اجرای این‏ سیاست ضمن ابراز تمایل نسبت به برآورده کردن‏ خواست بین‏المللی برای مدتی از دامنه اعتراضات‏ آمریکا و دیگران نیز کاسته است.برای مثال تأثیر مثبت‏ این اقدام را می‏توان در سخنان وزیر خزانه‏داری، سخنگوی کاخ سفید و رییس فدرال رزرو بانک آمریکا وزیر دارایی فرانسه دید.

از سوی دیگر میزان تقویت ارزش یوآن به حدی اندک‏ است که نمی‏توان آن را نشانه تسلیم شدن چین در برابر فشارها دانست.

تقویت 1/2 درصدی یوآن همچنین زمینه بررسی تاثیرات‏ آن را بر صادرات چین فراهم کرده است.زیرا صادرات‏ فزاینده،محرک اصلی رشد اقتصادی این کشور و عامل‏ مهمی در ایجاد فرصت‏های عظیم شغلی در چین است‏ از همین‏رو مقامات سیاسی نمی‏تواند تصمیمی بگیرند که به صادرات صدمه بزند.

بازتاب‏ها

در پی اقدام بانک مرکزی چین،برخی تحلیل‏گران‏ اروپایی،تأثیر تقویت یوآن بر اقتصاد اتحادیه اروپایی را مثبت ارزیابی کرده‏اند.به زعم آنان پیامد این امر افزایش‏ قیمت صادرات چین و نیز کاهش بهای صادرات اتحادیه‏ اروپایی است.بنا بر پیش‏بینی‏ها این اقدام به گسترش‏ صنعت توریسم در اروپا نیز کمک خواهد کرد.

در آسیا نیز کشور مالزی در اقدامی مشابه ارتباط "رینگیت‏"را با دلار آمریکا قطع کرد.ولی هنگ‏کنگ‏ اعلام کرد وابستگی دلار هنگ‏کنگ با دلار آمریکا تداوم‏ خواهد یافت.

در بازار ارز،پول کشورهای صادرکننده مواد اولیه( Commodity Dependent Currencies )همچون‏ استرالیا،کانادا و نروژ،با این استدلال که چین قدرت‏ خرید بیشتری یافته،تقویت شد. همچنین پیش‏بینی‏ها حکایت از آن دارند که‏ شرکت‏های چندملیتی فعال در چین از وضعیت مالی‏ بهتری براساس ارز ملی خود برخوردار خواهند شد.

بازتاب این تحولات در مطلوعات بین‏المللی،همراه‏ با اظهارنظر مقامات آمریکایی و فرانسوی،تبلیغ وسیعی‏ به نفع چین به حساب می‏آید؛چندان که آن کشور را از برگزاری بازی‏های المپیک هم بی‏نیاز خواهد کرد.در حقیقت چین با یک اقدام کوچک توانسته است همه جهان‏ را متوجه خود کند.

اقدام چین و نتایج داخلی آن

یکی از تأثیرات تقویت ارزش یوآن،تعدیل و تغییر در سبد صادرات چین است.براساس تحلیل‏ها، اگر چه بهای نفت وارداتی چین که به دلار محاسبه‏ می‏شود،نسبت به گذشته از یک حاشیه( Margin ) برخوردار است و 1/2 درصد ارزان‏تر تمام می‏شود، اما از سهم صنایع انرژی بر نظیر،آهن و فولاد،فلزات‏ غیرآهنی و پلاستیک در صادرات کاسته شده،در مقابل بر سهم صنایع کاربر افزوده خواهد شد.برای‏ مثال،قیمت تمام شده صنایع نساجی،که رقبای‏ متعددی در سایر کشورهای در حال توسعه دارد،نیز کمی گران‏تر می‏شود و به ناچار باید در زمینه افزایش‏ کارآیی و بهره‏مندی از نوآوری‏ها اقدام کرد.

افزون بر پیامد این اقدام چین برمناسبات آن کشور با آمریکا،اثر اختصاصی آن بر اقتصاد ایالات متحده نیز قابل تأمل است.حجم اقتصاد آمریکا نسبت به اقتصاد چین با اجرای این‏ سیاست ضمن ابراز تمایل‏ نسبت به برآورده کردن‏ خواست بین‏المللی برای‏ مدتی از دامنه‏ اعتراضات آمریکا و دیگران نیز کاسته است‏ همچنین پیش‏بینی‏ها حکایت از آن دارند که‏ شرکت‏های چند ملیتی‏ فعال در چین از وضعیت‏ مالی بهتری براساس‏ ارز ملی خود برخوردار خواهند شد جهان چنان است که بروز هر تحول در آن بر اقتصاد دنیا اثرگذار خواهد گذاشت.سالیان چندی است که آمریکا بسیار بیشتر از تولید خود مصرف می‏کند.سرعت این‏ روند،شتابی فزاینده نیز یافته است.نتیجه این امر،بروز کسری تجاری و کسری حساب جاری آمریکاست. کسری تجاری آمریکا با چین در سال 2004 به رقم 162 میلیارد دلار رسید که حدود یک چهارم کل کسری‏ تجاری آمریکا بود.رقم این کسری برای سال 2005 حدود 800 میلیارد دلار برآورد می‏شود.نتیجه طبیعی این روند مازاد تجاری چین با آمریکاست.

با وجود مصرف مفرط و چنین کسری تجاری، کارشناسان یکی از علل مهم سرپا ماندن‏ اقتصاد آمریکا را در این می‏دانند که چین(و سایر کشورهای صادرکننده،البته به میزان‏ کمتر)،بخشی از درآمدهای حاصل از صادرات خود به آمریکا را صرف خرید اوراق‏ خزانه‏داری و سایر اوراق دولتی و همچنین‏ اوراق رهن(بدهی‏های مستغلات متعلف به‏ بخش خصوصی)آن کشور می‏کنند.در واقع‏ چین بخشی از درآمد خود را به آمریکا و آمریکائیان قرض می‏دهد تا آنان همچنان به‏ خرید و مصرف ادامه دهند.به گفته‏"پل ولکر"، رئیس قبلی فدرال رزور،این شیوه مصرف‏ مفرط و افزایش کسری‏ها و بدهی‏های‏ آمریکا خطر ناک و غیرقابل دوام است.

چین به عنوان یکی از عمده‏ترین تولید کنندگان جهان از مهم‏ترین خریداران‏ مواد اولیه نیز هست و دومین‏ مصرف کننده نفت دنیا به‏شمار می‏رود. مدت‏هاست که چین برای خرید اقلام‏ مورد نیاز خود،با بهره‏گیری از منابع عظیم‏ مالی که در اختیار دارد،سرگرم عقد قرارداد در نقاط مختلف جهان است؛چندان که به‏ تدریج از جرگه خریداران صرف خارج شده و در زمره‏ سرمایه‏گذاران و شرکاء در پروژه‏ها درآمده است.حتی‏ به تازگی،چین به خرید شرکت‏های خارجی روی آورده‏ است.پیشنهادهای خرید شرکت‏های آمریکایی از سوی‏ چین،اذهان آمریکائیان را به آنچه‏"توسعه‏طلبی چین‏" می‏خوانند معطوف کرده است.برخورداری چین از ذخایر ارزی 711 میلیاردی،که سه چهارم ان به دلار است، بر میزان این توجه افزوده است.

گروه‏"لونوف( Levonov )"پیشنهاد خرید بخش‏ مربوط به رایانه شخصی شرکت آی.بی.ام( LBM )را مطرح کرده است.شرکت هایر( Haier )،سازنده‏ لوازم خانگی،پیشنهاد خرید شرکت معروف‏ "می تگ‏"،سومین تولیدکننده لوازم خانگی در آمریکا،را ارائه داد و شرکت‏"شرکت ملی نفت‏ فلات قاره چین( CNOOC )"خواستار خرید کمپانی‏ معروف نفتی یونوکال شده است.قیمت‏های‏ پیشنهادی چین برای خرید این شرکت‏ها از پیشنهاد رقبا بیشتر و برای فروشندگان جذاب‏تر است.این‏ تفاوت قیمتی که از سوی چین در معاملات ارائه‏ می‏شود به( Chinese Premium )معروف شده است. نخستین پیشنهاد از این دست در معامله‏ای با شرکت‏ آی.بی.ام ارائه شد.پیشنهاد خرید شرکت هایر نیز با انصراف خریدار منتفی گردید.اما پیشنهاد آخر،یعنی خرید شرکت نفتی‏ "یونوکال‏"،بحث بسیاری برانگیخت و در نهایت به مداخله کنگره آمریکا و صدور قطعنامه با موضوع‏"تهدید امنیت ملی‏ آمریکا از سوی چین‏"انجامید.پیامد بروز این حساسیت انصراف طرف چینی از این‏ معامله بود.

این واقعیت که چین در سال‏ها و دهه‏های آینده تبدیل به یک قدرت عظیم‏ اقتصادی و رقیبی جدی در برابر ایالات‏ متحده خواهدشد،و بالطبع وابستگی‏ روزافزون آن به منابع انرژی،نیازی به‏ بحث و توصیف ندارد.به همین دلیل نیز زمانی که چین خواستار خرید یونوکال‏ گردید،کارشناسان دلیل عمده این امر را وجود منابع و ذخایر انرژی یونوکال در اندونزی،میانمار(برمه)و همچنین تایلند (منطقه مجاور چین)دانستند.در واقع‏ موقعیت جغرافیایی منابع یونوکال به‏ گونه‏ای است که چین برای دسترسی به‏ آن‏ها کمتر نیازمند استفاده از راه‏های‏ دریایی است که تحت کنترل آمریکا قرار دارند.

گفته‏ها از آن حکایت دارند که مخالفت با انجام‏ خرید یونوکال می‏تواند سرآغاز دور تازه‏ای از تلاش‏ چین برای تعامل بیشتر با کشورهای دارای منابع‏ انرژی از جمله آن دسته از کشورهایی شود که با آمریکا مسأله و مشکل دارند.این امر،به نوبه خود، سبب وابستگی چین به این کشورها شده،چین را نسبت نسبت به حفظ امنیت آن‏ها حساس‏تر خواهد کرد.بر همین اساس تقویت یوآن،که قدرت خرید بیشتری در اختیار چین قرار می‏دهد،اهمیت‏ افزونتری نیز می‏یابد.